

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد اکبر قریشی
۲۸ اپریل ۲۰۱۹



۸ تور دوام منطقی ۷ تور در ویرانی و نابودی کشور!

لعنت خدا بر اشرار و نامجاهدان پست و خبیث که دارایی های ما را با سپر قرار دادن نام دین و جهاد به کشورهای مختلف از جمله ایران و پاکستان فروختند و تهداب افغانستان را نابود کردند.



۸ ثور همان طور که از لحاظ زمانی توالی مستقیم ۷ ثور است، از لحاظ منطقی نیز ادامهٔ بلافاصل آن فاجعه بوده، در حقیقت نه تنها کبارزات آزادیخواهانهٔ مردم ما را به کجراه کشانید و نه تنها خاینان و جنایتکاران خلقی- پرچمی را از محکۀ مردمی نجات داد، بلکه خود دست به چنان جنایاتی زد و چنان شهر کابل، پایتخت افغانستان را به ویرانه تبدیل نمود که ۷۴ ناصربی اطلاع شهر کابل آن را بدتر از ۷ ثور ارزیابی نمودند. این فاجعه چنین اتفاق افتاد:

وقتی روسها بر افغانستان هجوم آوردند و آنجا را اشغال نمودند، مبارزات آزادیخواهانه در سرتاسر افغانستان به صورت خود جوش علیه این اشغال نیز به وجود آمد. تشدید و اوجگیری مبارزات آزادیخواهانه در افغانستان از یک سو، ورشد افزون جنبش های مترقی و انقلابی در ضدیت با اشغالگران روسی از سوی دیگر و تلاش این نیروها تا پیوند ها خود را با جنبش های خود جوش مردمی محکم نموده، با رهبری آن جنبشها، امپریالیسم و ارتجاع و نوکران بومی شان را در همان نطفه خفه نمایند، در حقیقت زنگ خطری را برای اشغالگران روسی و ارتجاع منطقه و امپریالیسم غرب به صدا در آورد که اگر دیر بجنبند و کار نیروهای مترقی و انقلابی را نسازند و آنها نابود نکنند، افغانستان از دست آنها خواهد رفت. همین بود که مشترکاً، در بعضی از مناطق دوشادوش یک دیگر و در بعضی از مناطق با تقسیم وظایف ارتجاع از زمین و روسها از هوا، بر نیروهای مترقی، ملی و انقلابی حمل نموده تا جایی که دست شان رسید در شهر و روستا آنها بیدریغ به قتل رساندند.



دوتن از خبیث ترین و جنایتکار ترین چهره هائی که تنظیم ها و افراد منسوب به آنها بیشتر از همه خون نیروهای انقلابی و مترقی ریختاند، "ربانی و گلبدین" اند که شما در عکس آنها را می بینید که چگونه برادروار در کنار یک دیگر نشسته اند.

درحقیقت بعد از آن امپریالیسم شرق و غرب و ارتجاع منطقه خود را از "شر" نیروهای انقلابی و مترقی خلاص کردند و همزمان شوروی نیز ظرفیت نگه داشت افغانستان را از دست داد. آنها تصمیم

گرفتند تا در یک سازش همگانی- پرچمی ها با جمعیت و شورای نظار و خلقی ها با گلبدین- زمام امور را به دست بگیرند. کاری که گفتنش آسان بود مگر عمل کردنش بنا بر تضاد های موجود در درون آنها و باند های دیگری که از ایران آمده بودند، محال بود.



در چنین حالتی و به دنبال سازش ها و خیانت های متوالی، نجیب سقوط نمود و امپریالیسم و ارتجاع حاکمیت بر افغانستان زخم خورده را میراث پدری خود دانسته بر آن هجوم آوردند. نتیجه این هجوم خونبار، جنگهای داخلی کابل است جنگهایی که در آن جنایاتی صورت گرفت که تا آزمان نه کس دیده بود، نه کس شنیده بود و نه هم کسی آن را نوشته بود.

تجاوز به زنها و دختران و حتا برهنه صورت، بریدن سینه، بینی و گوش زنان و دختران اسیر، تاراج مال و دارائی طرف مقابل، کشتن توان با شدیدترین شکنجه هائی که یک انسان شرافتمند حتا فکرش را هم نمی تواند بکند، غارت دارائی های ملی از انتقال بس های ملی بس گرفته تا سیم برق آنها و از انتقال تانک و توپ اردو گرفته تا هیلوکوپتر های توپدار اردوی افغانستان، همه و همه به تاراج برده شده، برای گرفتن مقداری سیخ گول و فروش آن خانه ای را ویران می نمودند تا آن سیخ گول و یا چند ساکت برق را برده بتوانند.

حاصل این جنایات تولد مولود خبیثه دیگری به نام طالب بود که بعد از مدتی خون مردم را در شیشه کردن جایش را به اشغالگران امریکائی و ناتو داد. خلاصه ۷ ثور افغانستان را به مانند گلوله برفی از بالا رها نمود که هرچه پائنتر می آید مصیبت و درماندگی در آن بیشتر شده، حالا حالا ها هیچ دورنمای روشنی برایش در چشمرس وجود ندارد.